



طرح: آژوسا مافی | شهرآرا

۴۱

چهره



نگاهی به بینش و منش پژوهشگر نستوه، مرحوم آیت... عزیزا... عطاردی

میراث بان فرهنگ خراسان

آیت... رضا استادی، آیت... سیدجعفر سیدان، دکتر محمدعلی مهدوی راد، دکتر احمد مسجد جامعی، دکتر رسول جعفریان، دکتر مهدی مهریزی، دکتر عبدالحسین طالی، محمدرضا نوراللهیان و نفیسه عطاردی

۳۰
۰۲
۱۴۰۳
۸ صفحه ویژه آیت... عزیزا... عطاردی
۱۹ می ۲۰۲۴ | ۱۰ دی القصد ۱۴۴۵
شماره ۴۲۱۵ روزنامه شهرآرا
اشنبه

آیت... سید جعفر سیدان درباره مرحوم فقید سعید دانشمند گران قدر ارزنده محیط مرحوم آیت... عطاردی عرض کنم که طبق جمله شریفه ای که از مولانا امیر المؤمنین^(ع) در کتب حدیث آمده است، «قیمه کل امر ما یحسن» ارزش هر انسانی به اندازه کاری است که آن کار را به خوبی انجام می دهد یا انجام داده است. با توجه به این مسئله روشن و مهم که ارزش هر انسانی در ارتباط با کاری است که به بهترین صورت می تواند آن را انجام بدهد، محصول زندگی مرحوم عطاردی بسیار ارزشمند است. محصول زندگی ایشان جمع آوری بیانات و حیاتی به صورت بسیار ممتاز و مفید بوده است. ایشان با زحمات فراوان و بی وقفی به مراکز مختلف و کتابخانه های مختلف داخل و خارج کشور در سطح بسیار وسیع و تا آنجا که بنده اطلاع دارم، به شکلی بی نظیر آثار هر یک از معصومان^(ع) را از کتب مختلف جمع آوری کرد. ایشان در ارتباط با هر یک از این بزرگواران مطالبشان را آنچه که از این بزرگواران از نظر اعتقادی، اخلاقی، دستوری، اجتماعی، اقتصادی، عبادی، فردی و... رسیده است، به عنوان مسند جمع آوری کرد و در اختیار علاقه مندان به حق و آن ها که دوستدار آثار وحی هستند، قرار داد.

این کار بسیار ارزنده و مهم کاری است که نتیجه زندگی این مرد بزرگوار است و چون این کار به معنای حفظ مکتب وحی و مطالب و حیاتی و به معنای نشر آثار خاندان رسالت و ترویج مکتب اهل بیت^(ع) و احیای آثار رسالت و تنویر قلوب و دل های علاقه مندان به انوار نورانی بیانات معصومان^(ع) است، در نتیجه باید گفت که محصول زندگی ایشان مهم ترین محصول است.

درباره خصوصیات اخلاقی ایشان، طبیعتا برای افراد وقتی در ارتباط با مسائل مهم توفیقی حاصل می شود، مواردی پیش می آید و در بسیاری از افراد این چنین می شود که به صورت یک حالت توجه به ارزش کارشان و در نتیجه حالتی که نمی خواهم تعبیر نامناسبی کنم، حالتی که آن حال تواضع و فروتنی را از افرادی می گیرد، پدید می آید. اما ایشان از معدود افرادی است که برعکس با وجود کار عظیمی که کرده و اشاره شد، در عین حال آن حالت فروتنی، تواضع، مردمی بودن و به خود نگرستن را داشت. آنچه در ایشان می شد دید، به حقیقت توفیق را از ناحیه پروردگار دانستن و شاکر بودن و به هیچ صورت تعینی برای خود قائل نشدن بود و ایشان در یک چنین وضعیت روحی بود. از مهم ترین فضایل روحی یک انسان این است که این حالت تواضع و فروتنی را با وجود داشتن امتیازاتی که به طور معمول بسیار زمینه غیر آن را دارد، داشته باشد.

از جهات روحی ایشان اجمالا در چنین وضعیتی بود. خدا رحمتش کند که هیچ تعینی را به خود راه نداد و در کمال تواضع و فروتنی زندگی کرد و به سادگی دوران زندگی را گذراند و همه همتش این بود که در ارتباط با این هدف مهم هر چه می تواند وقتش را بگذراند.

از خصوصیات اخلاقی ایشان که آن هم بسیار امتیاز دارد، این بود که هیچ نوع وابستگی به هیچ جمعی و به هیچ گروهی پیدا نکرد. البته نسبت به همه کسانی که در مسیر حق بودند و جمعیت هایی که در مسیر حق بودند، علاقه مند بود، اما خودش به کار خودش مشغول بود و این چنین نبود که وابستگی های معمول برایش به وجود بیاید. بدون تعلق به این و آن در کار خودش موفق بود، البته در ارتباط با علاقه مندی به افراد و گروه هایی که در مسیر حق بودند، مشخص است که هر انسان علاقه مند به حق این چنین خواهد بود و ایشان هم این چنین بود.

نیز از این خصوصیت هم برخوردار بود که تا آنجایی که من اطلاع دارم، در عین اینکه یک نفر بود، امت واحد ای بود، یعنی بدون اینکه به عنوان مؤسسه کذایی یک جمعیتی و اعوان و انصار خاصی داشته باشد، کارهای زیادی انجام می داد. البته آن ها هم به جای خودش در ارتباط با این مسائل ارزنده است و گاهی افراد چاره ای ندارند، اما ایشان همتش آن چنان بود که تک و تنها کار مؤسساتی را کرد و تعبیر من این است که در جهت تحقیق و رسیدن به مسائل مهم و فرورفتن در دریای انوار مطالب اهل بیت^(ع) و به طور کلی مطالب و حیاتی، در عین اینکه فردی بود، امتی بود، در حدی که کاملا چشمگیر است و هر کس که آثار ایشان را متوجه باشد، به خوبی به این معنا متذکر می شود که تک و تنها و منفرد کار مؤسسات متعدد و بسیاری را انجام داده است.



اشنیه

۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳
شماره ۴۴۵
شماره ۴۲۲۱

SHAHIRANEWS.IR

۵۲



شهره

نگاهی به بینش و منش پژوهشگر نستوه
مرحوم آیت... عزیزا... عطاردی

میراث بان فرهنگ خراسان



امید حسینی نژاد
روزنامه نگار

علامه عزیزا... عطاردی قوچانی یکی از بزرگ مردان خطه خراسان و نمونه بارز یک انسان باهمت و تلاشگر بود. ایشان سال های پیاپی عمرش را صرف پژوهش، مطالعه و قلم فرسایی کرد تا فرهنگ غنی ایرانی اسلامی را کامل و جامع و بدون تحریف به جهانیان و همچنین آیندگان معرفی کند.

آغاز زندگانی

علامه عطاردی پنجم آذر ۱۳۰۷ در روستای آقابگلر (بیگلر) از توابع قوچان دیده به جهان گشود. این روستا در زمان نادر شاه افشار امیرنشین بوده و جنوب خبوشان (قوچان) و در دامنه کوه محمدبگ از سلسله جبال شاه جهان ارغیان در یکی از سرچشمه های رود اترک بنا شده و محل اسکان عشیره حمز کائلو، اجداد پدری علامه عطاردی بوده است.

تحصیلات ابتدایی

علامه عطاردی در چهار سالگی به مکتب خانه واقع در محل زادگاهش رفت و نزد روحانی محل قرآن مجید، خطاطی و خوش نویسی و ادبیات فارسی را فرا گرفت و تا هفت سالگی به انواع متون ادبیات فارسی تسلط یافت، به شکلی که کتب درسی دوره های دبستان را تهیه و بدون معلم مطالعه می کرد. از این رهگذر با آثار فاخر ادبیات فارسی مانند شاهنامه فردوسی، گلستان و بوستان سعدی، ناسخ التواریخ، معراج السعاده، تاریخ معجم و... آشنا شد. در ده سالگی قادر به مطالعه هر متن فارسی بود و به علاوه علاقه مند به ادبیات عرب شد و در روستا به تحصیل جامع المقدمات پرداخت.

حوزه علمیه قوچان

در سال ۱۳۲۵ با مهاجرت به قوچان در مدرسه عوضیه این شهر به مدت دو سال تحصیلات حوزوی را ادامه داد و ضمن خواندن کتاب «سیوطی» با اصول و مبانی ادبیات عرب آشنا شد.

حوزه علمیه مشهد

در سال ۱۳۲۷ راهی مشهد مقدس شد و در جوار بارگاه ملکوتی امام هشتم^(ع) در مدرسه بالاسر در محلی که روزگاری مأمن و عبادتگاه بزرگانی مانند شیخ بهایی، امیرعلیشیر نوایی و شیخ حسنعلی اصفهانی بود، برای اسکان یافت و مشغول به تحصیل شد. او در مشهد با حضور در درس استادان و مشاهیر علمای آن دیار ادبیات، فقه، اصول، منطق و تفسیر را فرا گرفت و مقدمات و سطوح را به اتمام رساند و با رجال علم و ادب و فرهنگ و کتابخانه ها ارتباط علمی برقرار کرد. مرحوم علامه عطاردی در این زمان با شرکت در درس مرحوم ادیب نیشابوری ادبیات فارسی و عربی را به طور علمی و دقیق فرا گرفت.

حوزه علمیه تهران و قم

ایشان در آذر ۱۳۳۱ به تهران مهاجرت کرد و ابتدا به مدت یک سال در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی در مدرسه برهانیه شهرری سکونت کرد. پس از آن در مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین در بازار پاچنار تهران رحل اقامت افکند و قدم در راهی گذارد که به تعبیر خودش مطالعه و تحقیق در آن به اتمام نرسد. در مدرسه شیخ عبدالحسین تا سال ۱۳۴۰ ماندگار شد و در این مدت ضمن آشنایی با علما و بازاریان و شرکت در جلسات مذهبی و سیاسی و معاشرت با گروهی از منبری ها و رجال سیاست و فرهنگ با تعدادی از ناشران، محققان، مصححان و مؤلفان آشنا شد. در سال ۱۳۳۴ کار تصحیح متون را با مرحوم استاد علی اکبر غفاری، ابتدا با مقابله و تحقیق کتاب «تحف العقول» و بعد چاپ کتاب «کافی» شروع کرد و سپس برخی آثار شیخ مفید، شیخ صدوق و امین الاسلام طبرسی را تصحیح و منتشر کرد و این همکاری به مدت پنج سال ادامه یافت. دوره همکاری علامه عطاردی با استاد غفاری از نقاط عطف زندگی ایشان محسوب می شود که موجب آشنایی ایشان با منابع و مآخذ و کتب حدیث، رجال، تاریخ و جغرافیا، ادبیات و لغت شد و مبانی معارف اسلامی را به طور علمی و دقیق و چند جانبه فرا گرفت و بدین سان عملا وارد حوزه تحقیق و تصحیح متون و مخطوطات شد و مسیر زندگی آینده اش را مشخص کرد. در سال های اقامت در تهران مطالعه و تحقیق در کتابخانه ها و مخطوطات، مداوم به شهر قم مسافرت می کرد و با اقامت در آنجا و حضور در حوزه های درسی استادان و بزرگان آن دیار به توسعه دانش و اطلاعات علمی و تحقیقی خود می پرداخت.

تحقیقات مستقل

علامه عطاردی از سال ۱۳۴۰ به طور مستقل شروع به تحقیق و مطالعه در کتابخانه ها و مخطوطات کرد و اولین اثر تألیفی اش کتاب «حضرت عبدالعظیم حسنی» را در سال ۱۳۴۲ چاپ کرد که صحت، عمق تحقیق و سبک نگارش آن موجب شد مرحوم علامه شعرائی تقریظ گرایی بر آن بنویسد. این اثر روزی به موجب کسب اجازه روایت ایشان از طرف علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی شد. متعاقبا نیز ترجمه «اعلام الوری» اثر امین الاسلام طبرسی را به چاپ رساند. ایشان در چند سال با مسافرت به شهرهای مختلف از کتابخانه های مهم و مشهور کشور بازدید کرد و مجموعه مخطوطات موجود در ایران را بررسی و مطالعه کرد و از آنجا که یافته های موجود را برای اهداف تحقیقاتی خود کافی نمی دانست، تصمیم گرفت به خارج از کشور سفر کند.

اجازات و تقریظها

علامه عطاردی در سال ۱۳۴۴ راهی عتبات عالیات شد و ضمن یک سال مجاورت در نجف اشرف از محضر علما، فقها، محققان و مراجع نجف بهره مند شد. در این مدت کوتاه ضمن معرفی آثار و دیدگاه های تحقیقاتی خود موفق به اخذ اجازه روایت از عالمانی چون حضرات آیات



آیت... عطاردی در سفر تبلیغی

شد و مطالعه و تحقیق در این زمینه را شروع کرد و تا پایان عمر به طور خستگی ناپذیر ادامه داد. در واقع خراسان از قرن اول هجری با ورود اسلام به ایران اهمیت خاصی می‌یابد و خراسانی‌ها در مناطق آسیای صغیر و اروپای شرقی منشأ خدمات و آثار فراوانی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران می‌شدند و دین اسلام نیز توسط همین قوم در قرن چهارم به شبه‌قاره هند برده شد.

بر این اساس خراسان حدود پنج سال به نحو چشمگیری مهد تمدن و فرهنگ بوده است. علامه عطاردی با همتی و صف ناپذیر در این زمینه اقدام به انجام تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای در ایران و خارج از ایران کرد. ایشان ابتدا با مطالعات جغرافیایی محدود خراسان بزرگ را مشخص کرد و پس از این مرحله به استخراج شهرها، قصبات، ولایات و روستاها پرداخت و از آنجا رجال علم، ادب، حکمت، فرهنگ، سیاست و... مربوط به هر منطقه را شناسایی کرد. در مرحله نهایی نیز با مطالعات و تحقیقات میدانی و مسافرت به مناطق مربوط در ایران و خارج از ایران به مشاهدات و جمع‌آوری اطلاعات و اسناد و مدارک پرداخت.

وفات

علامه عطاردی در عصر جمعه سوم مرداد ۱۳۹۳ مصادف با ۲۷ رمضان ۱۴۳۵ در تهران وفات یافت و در جوار مضجع شریف رضوی در بقعه شیخ طبرسی به خاک سپرده شد. عاش سعید اومات سعیدا.

رسید و ایشان به تنظیم و تدوین و تألیف ره توشه‌های خود پرداخت، در حالی که در این سی سال تألیفات متعددی را به دنیای دین و دانش عرضه کرده بود.

تأسیس مرکز فرهنگی خراسان

علامه عطاردی برای جمع‌آوری، حفظ و تداوم نشر آثار، تألیفات و تحقیقات خویش به فکر ایجاد مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی مستقلی برآمد؛ بنابراین با مطالعه همه‌جانبه و مشورت با علما، فضلا و اهل تحقیق، با همت و پشتکاری والا در سال ۱۳۸۴ به انجام این مهم موفق شد. بنابراین در تهران مؤسسه‌ای به نام «مرکز فرهنگی خراسان» تأسیس و کتابخانه شخصی‌اش را به آنجا منتقل کرد. ایشان این مرکز را به همراه کتابخانه و همه تألیفاتش وقف آستان قدس رضوی و برای اداره آن هیئت امنایی را تعیین کرد و تا زمانی که در قید حیات بود، خودش اداره و نظارت بر آن را عهده‌دار بود. هم‌اکنون نیز این مرکز تحت نظارت هیئت متولیان اداره می‌شود.

اهداف مرکز فرهنگی خراسان به طور مبسوط و به وضوح در وقف‌نامه آن مکتوب قید شده است. مأموریت اصلی این مرکز تحقق اهداف طرح عظیم «فرهنگ خراسان» است که ایشان حدود نیم قرن از عمر گران‌بهای خویش را در ایران و جهان صرف مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای در باره آن کرد و همه آثارش در ذیل همین عنوان شکل گرفت.

در سال ۱۳۴۰ علامه عطاردی متوجه اهمیت و جایگاه خراسان بزرگ، این خطه فرهنگ پرور حوزه تمدنی شرق

سید محسن حکیم، سید ابوالقاسم خوبی و شیخ آقا بزرگ تهرانی شد. ایشان همچنین از آیت... سید محمد هادی میلانی نیز اجازه روایت دارد. علامه عطاردی هنگامی که در مدینه اقامت داشت نیز از عالم بزرگ حنفی، شیخ محمد ابراهیم ختنی که از مشایخ زیادی اجازه روایت داشت و از محبان اهل بیت^(ع) بود، اجازه روایت گرفت و از این طریق به سلسله راویان و مشایخ حدیث در ماوراءالنهر و حرمین شریفین و مصر و شام پیوست. تحقیقات و تتبعات علمی ایشان همواره مورد تشویق بزرگانی چون علامه امینی، علامه شعرانی و آیت... مرعشی نجفی قرار گرفته است.

سفرهای علمی خارج از ایران

از آنجا که طرح تحقیقاتی بزرگ علامه عطاردی، «فرهنگ خراسان»، مستلزم تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای گسترده‌ای بود، ایشان پس از بازدید سراسری از تمام کتابخانه‌های مهم ایران و مطالعه و بررسی مجموعه کتب چاپی، مخطوطات و منابع دست‌اول موجود در ایران، برای جمع‌آوری اسناد و مدارک و اطلاعات بیشتر تصمیم به سفرهای علمی خارج از کشور گرفت. بنابراین، با مسافرت به کشورهای آریانه، آسیا، اروپا و آفریقا، از آقیانوس هند تا آقیانوس اطلس در جست‌وجوی ناشناخته‌ها به مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی طاقت فرسایی دست زد.

این سفرهای علمی و تحقیقاتی از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۷۰ طول کشید. در سال ۱۳۴۴ پس از سفر عتبات عالیات در اسفندماه عازم حجاز شد و در حرمین شریفین در کتابخانه‌های مکه و مدینه به مطالعه و تحقیق پرداخت. پس از بازگشت از این سفر در زمستان ۱۳۴۵ به هندوستان رفت و سپس از پاکستان و افغانستان دیدن کرد و از کتابخانه‌های این کشور بهره برد. وی دوباره در سال ۱۳۴۸ عازم شبه‌قاره هند شد و مطالعات و تحقیقاتش را پی گرفت. در سال ۱۳۵۳ پس از انجام مناسک حج به کشورهای یمن، مصر، سوریه و لبنان سفر و از کتابخانه‌های مهم این کشورها بازدید کرد.

سال ۱۳۵۴ عازم اروپا شد و از کشورهای انگلستان، فرانسه، بلژیک، آلمان و سپس ترکیه دیدن کرد و از کتابخانه‌های آن کشورها نیز بهره‌های علمی لازم را برد. علامه عطاردی در سال ۱۳۵۹ برای سومین مرتبه سفر کوتاهی به هندوستان انجام داد و پس از آن در سال ۱۳۶۰ عازم آن شبه‌قاره شد و به مدت سه سال در آن دیار اقامت کرد و چندین مجلد از تألیفات خویش را به چاپ رساند. ره‌آورد سفرهای متعدد ایشان به شبه‌قاره هند در کتاب «سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان» منعکس شده است.

ایشان سال ۱۳۶۶ با سفر به روسیه از کتابخانه‌های مسکو و سن پترزبورگ دیدن کرد و پس از آن عازم ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان شد و از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و آثار تاریخی این کشورها بازدید کرد. سرانجام در سال ۱۳۷۰ سفرهای علمی و تحقیقاتی علامه عطاردی با کوله‌باری سنگین از اسناد و مدارک و اطلاعات ذی‌قیمت میدانی و کتابخانه‌ای به پایان





گفتاری از آیت‌ا... رضا استادی درباره سجایای اخلاقی مرحوم عطاردی علاقه ذاتی به علم داشت



آیت‌ا... عطاردی در کنار آیت‌ا... سید رضی شیرازی

ایشان تجلیل کنیم. دو کار عظیمی که ایشان درباره مسندها و مشهدها و امام رضا (ع) انجام داده است، از مصادیق خیلی روشن احیای امر اهل بیت (ع) است که ما معتقدیم امام رضا (ع) ایشان را دعای می کند که در آن حدیث می فرماید: خدا رحمتش را شامل حال آن عزیز کند که امر ما را به سهم خودش و تا حدی که می توانست، احیا کرده است.



که ایشان در کتابها آورده است، حدود ۸۰ هزار حدیث است که کار بسیار عظیمی است و در روحیات و توفیقات انسان اثر می گذارد. از اولین کارهای استاد، کاری مربوط به حضرت عبدالعظیم بود که کاری ابتکاری و خوب بود و مورد تجلیل علامه شعرانی هم قرار گرفت. شاید دعای این بزرگوار [حضرت عبدالعظیم] هم بدرقه راه ایشان بوده و باعث شده است که بتواند این کار عظیم را انجام دهد. لطف دیگر اینکه ایشان در کار حدیثی هم جذب امام رضا (ع) و امیرمؤمنان (ع) شده است و در طول سالیان، با نهج البلاغه و تصحیح آن سروکار داشته است. کار گسترده ای که ایشان درباره امام رضا (ع) و مشهدها و خراسان انجام داد، نصب هر کسی نمی شود. با توجه به اینکه کارهای تتبعی و تحقیقات میدانی مشکلات خاص خودش را دارد.

از دیگر الطاف خدای متعال به ایشان اینکه بحمد لله توانسته است قسمت عمده آثارشان را خودش به تنهایی به پایان برساند و منتشر کند. من معتقدم که اگر استاد مؤلف آثاری مثل مسانید و تاریخ مشهده نبود و فقط می گفتیم استاد این صد جلد کتاب را که برای دیگران است، به این صورت منتشر کرده است، همین کافی بود که ما از

استاد عطاردی از جهات مختلفی مورد لطف خدای متعال بوده است. لطف اول اینکه ایشان با تقریباً ۱۰ سال تحصیل در قوچان و مشهد توانسته بود بنیه علمی اش را محکم کند. به گونه ای که بعد از این ۱۰ سال به عنوان یک فاضل و عالم، اثرگذار باشد و این کمترین اتفاق می افتد. نکته دوم اینکه وقتی ایشان پس از تمام شدن دوران تحصیل به تهران رفت، راه های متعددی پیش پایش بود و خدای متعال لطف کرد که ایشان در این مسیر قرار بگیرد؛ یعنی حوزه مدرسه را به کارهای دیگر ترجیح دهد، از دنیا و مظاهر دنیوی چشم پیوشد و طبق همان علاقه ذاتی که به علم و مسائل علمی داشت، به این گونه مسائل بپردازد. لطف سوم خدا به ایشان، این بود که وقتی وارد تهران شد، با کسانی آشنا و مانوس شد که اهل تلاش و کار بودند، مثلاً با علامه شعرانی، شهید مطهری، علامه امینی، علامه تهرانی که این افراد، در زندگی انسان بسیار اثرگذار می شوند و این از هدایت های الهی است. لطف چهارم، لطف بسیار مهمی که خدای متعال به ایشان کرده و انس ایشان با حدیث است. اینکه ایشان از حدود ۱۳۳۲ با حدیث سروکار داشته است. مجموعه احادیثی

شیفته و شیدای حقیقت

سفر کرد و با سرزدن به کتابخانه های متنوع این کشورها، اطلاعات وسیعی را جمع آوری کرد. شاید برایتان جالب باشد که همه سفرهای آیت... عطاردی با ماشین، اتوبوس و تعدادی از آن ها با کشتی انجام شده است. نه با هواپیما. ضمن اینکه سفرهای ایشان بسیار زاهدانه بود و اغلب شب ها را در مساجد و مدارس به سر می برد و روزها برای مطالعه راهی کتابخانه می شد.

اغلب مطالبی که در کتاب های ایشان آمده است، نقل از کتابی دیگر نیست و عمده تتبع های ایشان در زمینه های مختلف و از آن جمله خراسان شناسی براساس تحقیقات میدانی حاصل شده است. بنابراین شخصیت آیت... عطاردی یک شخصیت دایره المعارفی است. چرا که بسیاری از تحقیقات او حاصل شرکت در محافل علمی، دیدار از رخداد های فرهنگی و شناسایی مناطق مختلف بوده است.

یادداشت های مرحوم عطاردی میراثی ارزشمند و درخشان است. ایشان با نظمی تحسین برانگیز این موارد را نوشته و یادداشت کرده که مدخل هایی است که می تواند برای بسیاری از دانشنامه ها مفید و مؤثر باشد و مبنای کار قرار گیرد. آن نظم ذهنی ایشان در همه این آثار رعایت شده است و امیدوارم که ما دستیاران و همکاران ایشان زمینه ای را فراهم کنیم که این آثار همچنان استمرار داشته باشند و از این دریای عظیم معارف که ایشان دست بسیاری را گرفت و به ساحل آن نزدیک کرد، همچنان بتوانیم بهره بگیریم.

ویژگی کار آقای عطاردی، سفرهای علمی متعدد ایشان برای مطالعه در موضوعات مختلف از جمله حدیث پژوهی و خراسان شناسی بوده است. ایشان در دهه ۴۰ سفری به مکه و مدینه داشت و پس از آن به کشورهای مختلفی از جمله هند، یمن، پاکستان، ترکمنستان، روسیه و بلژیک

اسناد و کتاب هایی که در این مجموعه جمع شده است و گفته می شود ۲۰ هزار اثر است که تک تک انتخاب شده اند. در آثاری که ایشان پدید آورد، مورد توجه قرار گرفته اند. نباید رقم ۳۰ هزار را در مقایسه با دیگر کتابخانه ها در نظر آورد، بلکه باید در نظر گرفت که مجموعه مطالعاتی که منشأ شکل گیری ماندگارترین مجموعه های حدیثی و تاریخی به ویژه تاریخ محلی خراسان و حتی آثار ادبی ایران، آثار تاریخی ایران و آثار اساطیری ایران مانند «شاهنامه» شده است، در اینجا وجود دارد. این هم یکی از خدمات ایشان است.

آیت... عطاردی در زندگی اش با طبعی بلند زیست و روی به هیچ درگاهی به جز درگاه اهل بیت (ع) نیاورد و خدمت به جز به این آستان نکرد و در کمال قناعت و پارسایی و فروتنی زندگی را به سر برد. آنان که از نزدیک



دکتر احمد مسجدجامعی
وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی

با ایشان آشنا بودند، می دانند که چگونه وقتی که بحثی در حوزه های مختلف مربوط به اسلام و ایران و تشیع مطرح می شد، شاهد مثال های گوناگون می آورد و چه زیبا مباحث را بسط می داد و در عین حال شاهد بودند که اگر نکته ای، سخنی، سؤالی، پیشنهادی بود، می شنید و چه زاهدانه زندگی می کرد. برخی آثار ایشان از جهت علمی در تاریخ ماندنی است. کاری که درباره ائمه (ع) انجام داد، کاری بی بدیل بود. کاری که درباره تاریخ خراسان انجام داد، کاری بی نظیر بود و چه دقت های علمی که در این کار بود و چه تلاش ها کرد. ایشان اطلاعاتی به مراتب بیش از کتاب شناسان کتابخانه ها درباره نسخ خطی داشت و همین امر در کنار تواضع آیت... عطاردی موجب شیفتگی همه نسبت به شخصیت ایشان و باعث شده بود که آنان نسخه های مدنظر را خارج از هر قاعده و سلسله مراتبی تکثیر کنند و در اختیار ایشان قرار دهند.

بنیان گذاری مؤسسه فرهنگی خراسان از سوی آیت... عطاردی یکی از خدمات اجتماعی ایشان برای عموم به ویژه کسانی بود که در حوزه خراسان پژوهش می کنند. همه آثار و



از راست: حجت الاسلام و المسلمین الهی خراسانی، آیت... عطاردی، دکتر مسجدجامعی و دکتر مهدوی راد

در جستجوی میراث خراسان



شهرخبر
SHAHRANEWS.IR
اشنبه
۱۳۰۳ دیهشت ۱۴۴۳
۱۴۴۳ هجری قمری
۲۲۱ شماره

۵



شهرخبر

● شما سال‌ها از نزدیک با مرحوم عطاردی آشنا بودید و در جریان سفرهای متعدد ایشان بوده‌اید. سفرهای استاد از چه زمانی و با چه انگیزه‌ای آغاز شد؟
به گفته استاد، زمانی که فکر تألیف کتاب «فرهنگ خراسان» برای ایشان به وجود می‌آید، تصمیم به انجام تحقیقی جامع می‌گیرند. ایشان خودش می‌گوید در این موقع متوجه شدم که باید بار سفر ببندم و از کتابخانه‌های داخل و خارج دیدن کنم و منابع و مآخذ جدید را به دست بیاورم. به همین دلیل هم از کتابخانه‌های مختلف ایران دیدن کرد و در مراکز فرهنگی قم، مشهد، اصفهان، شیراز، یزد، همدان و تبریز به مطالعه پرداخت و بارحال و محققان و دانشمندان این شهرها آشنا شد. پس از آن هم تصمیم گرفت به خارج از کشور سفر کند و نخستین سفرش نیز حرمین شریفین، مکه و مدینه بود.



استاد عطاردی
وجوب به وجب خراسان
بزرگ، یعنی قلمرو کار
پژوهشی‌اش را زیر پا
گذاشته بود و باز به همین
منظور در زمان برژنف و
سپس در دوره گورباچف
به اتحاد جماهیر شوروی
سابق سفر کرد تا خراسان
را دست کم در مقام
تحقیق و تئوریک از چنگ
اتحاد جماهیر و روس‌ها
نجات دهد

استاد در سال ۱۳۴۴ به حجاز عازم می‌شود و مدتی در کتابخانه‌های مکه و مدینه به مطالعه می‌پردازد. بعد از مراجعه از این اماکن نیز، در زمستان ۱۳۴۵ به هندوستان می‌رود و پس از آن از پاکستان و افغانستان و کتابخانه‌های این کشورها استفاده می‌کند و در سال ۱۳۴۸ نیز بار دیگر به هندوستان و پاکستان عازم می‌شود و مطالعات خود را دنبال می‌کند. در سال ۱۳۵۳ نیز ایشان بعد از انجام مناسک حج، از کشورهای یمن، مصر، سوریه و لبنان دیدن می‌کند و پس از بررسی کتابخانه‌های آنجا در سال ۱۳۵۴ عازم اروپا می‌شود، به کشورهای انگلستان، فرانسه، بلژیک، آلمان و استانبول می‌رود و از کتابخانه‌های آن‌ها استفاده می‌کند. سال ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ هم با سفر به هندوستان کارهای فرهنگی‌اش را دوباره دنبال می‌کند.
استاد همچنین در مرداد ۱۳۶۶ به روسیه سفر می‌کند و از کتابخانه‌های مسکو و پترزبورگ و آثار تاریخی آنجا بازدید می‌کند و با دانشمندان و محققان این کشورها آشنا می‌شود و از نسخ خطی موجود در این کشور بهره می‌برد.

● آثار استاد در چند بخش قابل تقسیم‌بندی است و مهم‌ترین آثاری که ارائه کرده‌اند، کدام‌ها هستند؟
استاد عطاردی، در هشت زمینه تحقیق، تألیف و ترجمه ارائه داده‌اند. تاریخ تمدن خراسان بزرگ از جمله کارهای ایشان است، اما مهم‌تر از آن، مستندات ائمه است که در این مجموعه، همه گفتار، مکاتبات و پاسخ‌هایی را که ائمه (ع) به سؤالات داده‌اند و هر چه که مربوط به امامان است، درج شده است. استاد تمام این مستندات را از لایه لایه کتب و نسخ خطی در کتابخانه‌های داخلی مانند کتابخانه آستان قدس، کتابخانه ملک یا کتابخانه‌های هند، مصر، مدینه، ایتالیا، لندن، ازبکستان،

پاکستان و سوریه گردآوری کرده است.

● آنچه گفتید، نشان می‌دهد که استاد در کار پژوهش خود سبک زنده و منحصر به فردی داشته است.

بله، البته ایشان هشتاد سال سن داشت. ناگفته نماند که در بین ما حوزویان و طلاب و علمای دین این شیوه کار معمول نبوده است، به ویژه در پرداختن به تاریخ چون معمولاً ما در احکام، اخلاق و در حوزه عقاید، کلام، فلسفه و حدیث کار می‌کنیم. کتاب «تاریخ خراسان» استاد ۵۴ جلد خواهد بود و ۸ جلد آن چاپ شده است و بقیه آن منتظر کاغذ است و کار فیش برداری و تنظیم آن انجام شده است. استاد از سال ۱۳۴۳ مسافرت‌های زیادی برای تدوین این کتاب آغاز کرده بود. می‌دانید که منظور از خراسان امروز، بجنورد، سرخس و درگز، کنار مرز عشق آباد تا نهبندان، بیرجند، طبس و فردوس است، اما استاد عطاردی بر اساس تحقیقاتی که از متون کهن انجام داده بود، شواهد فراوانی برای این موضوع ارائه کرد و معتقد بود که از دهنمک گرمسار تا دره فرغانه، رود جیحون و سیحون، سمرقند، بخارا و مرو، بلخ، هرات، قندهار، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و همه این مناطق خراسان بزرگ بوده است و آن‌ها را با فرایند و شیوه زیبا و سنجیده بررسی کرده بود. همان گونه که شما گفتید، روش ایشان هم متن‌گرایی در تاریخ نبود. ایشان ابتدا هر آنچه را در کتب بوده است، فیش برداری کرده بود و سپس خود به میدان رفته و از نزدیک درباره آن تحقیق کرده بود.

استاد عطاردی وجوب به وجب خراسان بزرگ، یعنی قلمرو کار پژوهشی‌اش را زیر پا گذاشته بود و باز به همین منظور در زمان برژنف و سپس در دوره گورباچف به اتحاد جماهیر شوروی سابق سفر کرد تا خراسان را دست کم در مقام تحقیق و تئوریک از چنگ اتحاد جماهیر و روس‌ها نجات دهد.

● آیا در باب تحقیقات تاریخی، اثری مشابه و به این اندازه کامل وجود دارد؟

البته آیت... شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» مطالبی را نگاشته‌اند که این موضوع در چهل سال پیش اقدام مناسبی بود. حتی ایشان نیز در این کتاب به صورت نقل قول مستقیم گوشه‌ای از پژوهش‌های استاد عطاردی را درباره سابقه خدمات ایرانیان با این عنوان که «خدمات ایرانیان به اسلام از کی شروع شد»، درج کرده‌اند. ضمن اینکه تاریخ‌نگاران دیگری نیز در این زمینه قلم زده‌اند از جمله در کتاب‌هایی چون منتخب التواریخ و ناسخ التواریخ،

اما عطاردی این راه را نرفته است. او هزارها سند که در حال گم شدن بوده است یا دولت‌ها در صدد نابود کردن آن‌ها بوده‌اند و هزارها سنگ نوشته و هزارها کاشی کاری و اسناد تاریخی کتابخانه‌های بزرگ لنینگراد، مسکو و تاشکند را گرفته یا کتاب‌هایی را میکروفیلم کرده و یادوربینی که روی شانه داشته، از آن‌ها عکس تهیه کرده و برای مجموعه بزرگ دایرة المعارف آن‌ها استفاده کرده است. به نحوی که گمان نمی‌کنم کسی باشد که بخواد خراسان بزرگ را بشناسد و از این مجموعه عظیم بی‌نیاز باشد.

این توجه، به نحوی است که در جریان برگزاری همایش بزرگداشت این استاد بزرگ، یونسکو نیز بر خورد مثبتی داشت. ضمن اینکه نماینده‌ای از یونسکو نیز در این اجلاس سخنرانی کرد. اما آنچه برای آن‌ها مهم است، این است که در مجموعه تمدن بشری، تمدن شرق تمدنی والا و بدون هیچ گونه مبالغه است؛ تمدنی است که هشتاد و نه قرن ریشه دارد و خراسان با توجه به تعریفی که استاد داشت، تعیین این مجموعه است. به ویژه آنکه استاد، محقق با شیوه میدانی و آکادمیک و سنجیده بود و همواره در کشورهای دیگر نیز چنین فعالیت‌هایی داشت.

● آنچه از استاد وجود دارد، نشان دهنده توجه استاد به فرهنگ خطه خراسان است. از این زاویه نگاه علامه به موضوع خراسان چگونه بوده است؟

اتفاقاً نام یکی از کتاب‌های استاد، «فرهنگ خراسان» است. ضمن اینکه ایشان بنیادی را هم تأسیس کرد به نام بنیاد فرهنگی خراسان. به هر حال اگر شما خراسان را از پیکره امروز جهان یا از ایران جدا کنید، مطمئناً نکته زیادی باقی نمی‌ماند، چرا که بسیاری از رجال ایرانی مانند ابن سینا، ابونصر فارابی و بسیاری از شخصیت‌های بزرگ ایران همه خراسانی بوده‌اند. نظر استاد حتی درباره جابر بن حیان که شیمی دان بزرگ دنیاست، این است که ایشان توسی و خراسانی است. استاد می‌فرماید درباره ایشان نوشته‌اند طرطوس، در حالی که طرطوس در منطقه‌ای در حاشیه مدیترانه است.

ایشان درباره رجال توس هم تحقیقات بسیاری کرده بود، از جمله خواجه نصیر، خواجه نظام الملک و مرحوم شیخ طوسی. استاد پای هر یک از این رجال توقف کرده است. ایشان نود صفحه درباره فردوسی حرف‌های جدید زده است. درباره شعر فردوسی و درباره هنر و شعر فردوسی و برای استحکام ادب فارسی تحقیق کرده است.

حتی استاد می‌فرمود می‌خواهم به اسپانیا بروم و معتقد بود که در اسپانیا منطقه‌ای به نام طوسه وجود دارد و به نظر می‌رسد جنگجویان خراسان که به اسپانیا رفته‌اند و در اسپانیا آثار زیادی درباره آن‌ها هست، بی‌ارتباط با نام گرفتن این منطقه به طوسه نیستند. این جنگجویان در زمان فتح تنگه جبل الطارق، در جبهه طارق بوده‌اند.



آیت... عطاردی در کنار محمد رضا نوراللهیان



دل‌داده تاریخ خراسان



دکتر رسول
جعفریان
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

درباره اهمیت تواریخ محلی که کار بزرگ مرحوم عطاردی همین «فرهنگ خراسان» است، صرف نظر از ثبت اطلاعات مربوط به تاریخ، شکل‌گیری، معماری، رجال، علما و محدثان شهرها، یک نکته بسیار مهم است. استفاده‌ای که ما از تواریخ محلی در کارهای تاریخ عمومی خودمان می‌کنیم، این است که برخلاف کتاب‌هایی مانند «تاریخ طبری» یا «کامل» ابن اثیر یا «منتظم» ابن جوزی که نگاه از پایتخت به شهرها یا نگاه از مرکز خلافت به شهرهاست، مادر تواریخ محلی از شهرها به پایتخت نگاه می‌کنیم. در واقع این مرکزیت پایتخت را از تواریخ عمومی می‌گیریم و نشان می‌دهیم که مردمانی، علمایی، مدارس و تمدنی هم هستند که متعلق به شهرها و بخش‌ها هستند و با این نگاه، آن نگاه مرکزگرایی را به چالش می‌کشیم.

در این زمینه، سهم شیعه اندک است، به این دلیل که شهرهایی که در اختیارش بوده اندک بوده است. طبعاً افرادی که تاریخ محلی می‌نویسند، دلشان می‌خواهد شهر و شخصیت‌هایی را که محبوبشان است، به خوبی ستایش کنند و شیعه‌ها چون اقلیت بودند و شهرشان از نظر مذهبی تأیید شده نبود، کمتر تمایل داشتند که تاریخ این شهرها را بنویسند. اما آنجایی هم که وارد شدند، واقعا و انصافاً خوب وارد شدند. ما چند تاریخ محلی خوب درباره شهری داشتیم که متأسفانه از بین رفته‌اند و چند تاریخ محلی درباره قم داشتیم که فقط یک نمونه از آن



آیتا... عطاردی، حجت‌الاسلام و المسلمین الهی خراسانی

باقی مانده است و به اعتراف همه کسانی که به تواریخ محلی توجه دارند، تاریخ قم قرن چهارم هجری یکی از بهترین و بی‌نظیرترین تاریخ‌های محلی است و بعدها به فارسی ترجمه شده و متأسفانه شاید پانزده بخش آن هم مفقود شده است و همین پنج بخش باقی مانده نشان می‌دهد که تاریخ این شهر چقدر دقیق و ظریف نوشته شده که به تازگی هم چاپ خوبی از آن شده است، گرچه مشکلاتی از لحاظ فهرست نویسی دارد.

این انقطاع فرهنگی بعد از مغول، تواریخ محلی ما را در بخش شرقی و تمدن ما را در بخش شرقی تمدن اسلامی از بین برده است؛ ولی شاید یکی از بی‌نظیرترین تاریخ‌های محلی، به یک شخصیت شیعی مربوط می‌شود که از او کمتر نامی هست: محمد بن بحر رهنی که از رهینه کرمان است. نام او را میان روات حدیث و مؤلفان شیعه، حوالی سال ۳۰۰ قمری داریم. کتابی به نام «نحل العرب» داشته که در اختیار یاقوت هم بوده است. وی با یک بینش بسیار عالمانه، به‌ویژه شهرهای بخش شرقی را ثبت کرده و آنچه در ذهن محمد بن بحر رهنی بوده، این بوده است که به‌ویژه به مهاجرت عرب‌ها به شهرهای ایران بسیار توجه کند.

در هر شهری، قبایلی را که ساکن شده بودند، یک‌به‌یک بررسی می‌کند و به دلیل اینکه یک شیعه اما می‌خاسته باشد، همیشه دنبال این بوده است که نشان دهد کدام یک از قبایل عرب در کدام یک از شهرها مستقر شده‌اند

و مذهب آن‌ها چه بوده است. شاید بیست مذهب در «معجم البلدان» از ابن محمد بن بحر رهنی است. به هر حال کار ارزشمندی بوده که مفقود شده است.

ما یک تاریخ محلی دیگر هم داشتیم که از آن احمد بن محمد بن خالد بلخی است که مورد استفاده مؤلف «تاریخ قم» بوده است، ولی تقریباً از قرن چهارم هجری به بعد، متأسفانه اثری از آن مانده است. این سنت، با تأسف، استمرار پیدا نکرد و حتی در دوره صفویه هم نوشتن تاریخ محلی چندان مورد توجه نبود. ما نسبت به بعضی شهرها تواریخی داریم، ولی در بسیاری از شهرها، اطلاعات ما اندک است و فقط به کتابی منحصر است که مثلاً کسی در قرن هشتم یا نهم یا یازدهم نوشته است و یک مرتبه دو بیست سال اطلاعات ما از بین می‌رود تا کسی در قرن سیزدهم یا چهاردهم قمری، کتابی از یک بخش بنویسد.

ما امروز در واقع شخصیتی را تکریم می‌کنیم که نیمی از عمر پژوهشی‌اش را برای زادگاهش، جایی که به آن عشق می‌ورزیده، خراسان، صرف کرده و «فرهنگ خراسان» را نوشته و این سنت تاریخ محلی را حفظ کرده است.

هیچ کس انتظار ندارد که ایشان همه اطلاعات را ثبت کرده باشد و تمام معارف خراسان در این کتاب منعکس شده باشد. ایشان به قدر وسع و تلاشش و با روش‌هایی که از محققان قدیم برگرفته، تاریخ خراسان را نگاشته است.

همواره یار و هم‌راه ما بود

چون پدرم محقق بود، ایشان را همیشه در کتاب‌هایش دیده‌ایم. البته این طور نبوده است که با ما و در کنار ما نباشد. ایشان همواره به تحصیل و زندگی و درس ما توجه می‌کرد.

ایشان پدری فوق‌العاده مهربان هم برای من و هم خواهر و برادرم بود. استاد با وجود اختلاف سنی زیاد با خواهرم او را خوب درک می‌کرد. از توصیه‌های دائمی پدر، تشویق به علم‌اندوزی بود. ایشان می‌گفت: دنیای آینده دنیای علم است و اگر می‌خواهید زندگی خوب و آبرومندی داشته باشید، بهتر است درس بخوانید.

البته ایشان در درس خواندن ما را اجبار نمی‌کرد که چه رشته‌ای بخوانیم، مثلاً من رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش فقه و حقوق خواندم، در صورتی که کار اختصاصی پدر حدیث است و برادرم علوم سیاسی و خواهرم هم زیست‌شناسی خوانده است، ولی پدر همیشه به علم‌اندوزی که همراه با علاقه و استعداد باشد، تأکید می‌کرد.

در مجموع فضای منزل ما همیشه فضای علمی بود و جهت‌گیری ما نیز در کارهای علمی بود. خود ایشان از چهار پنج سالگی به مطالعه مشغول بوده است که تا پایان عمر ادامه داشت. همچنین از ویژگی‌های اخلاقی ایشان این بود که در رویدادهایی که پیش می‌آمد، تحلیل‌هایی می‌کرد که باعث می‌شد از سطحی‌نگری و احساس‌های لحظه‌ای جلوگیری شود.

مشهد وقتی به حرم مشرف می‌شدیم، ایشان درباره سردرها، صحن‌ها و کتیبه‌ها صحبت می‌کرد و برایش فرقی نداشت که این سفر تفریحی است یا معنوی، در همه این‌ها بعد علمی پدر قابل ذکر و توجه است.

پدر درباره ازدواج می‌گفت: هر طور خودت دوست داری انتخاب کن، تنها نکته‌ای که من به شما توصیه می‌کنم، این است که کسی را انتخاب کن که اهل علم هم باشد و توقع خاصی نداشته باشد.



آیتا... عطاردی در کشور هندوستان

تاج محل و قصرهای هند به یاد دارم. در سفرها مثلاً در چهار سال اقامت در مشهد در روز تعطیل تفریح ما این بود که به خرابه‌ای می‌رفتیم که چوپان‌ها گوسفندهایشان را آنجا می‌آوردند و پدر برای مادر باره تاریخ، ویژگی و مشخصات آن بنا صحبت می‌کرد و نوشته‌های کتیبه‌ها را برای ما می‌خواند. ضمن اینکه بیان می‌کرد که این بنا متعلق به چه کسی بوده است که این تجربه‌ای بود که نگاه ما را به مسائل عمیق‌تری می‌کرد. همچنین در سفر به

مرحوم پدرم از لحاظ مذهبی اصلاح‌سخت گیر نبود و ما را مجبور به قبول عقاید نمی‌کرد و سعی بر آموزش اصول داشت. البته پدر معتقد بود که فقط نباید مطالب را بیان کرد، بلکه باید در رفتار و کار و سلوک، مسائل را دید.

و خود ایشان نیز با ما همین برخورد را داشت. پدر چون بسیار مشغول به کار بود، بیشتر کارهای تحصیلی ما بر دوش مادر بود. چون مادر خودش معلم ابتدایی بود، من کلاس دوم را در هند نزد مادر خواندم. ایشان در مباحث تاریخی، دینی، عربی، قرآن، جغرافی و به‌ویژه دروس دانشگاه به ما کمک می‌کرد.



نقیسه عطاردی
فرزند استاد

مادرم همیشه تلاش می‌کرد که مشکلی برای پدر پیش نیاید، چون مادر معتقد بود که پدر به دلیل نویسنده بودن باید ذهنی آزاد داشته باشد و تنها مشکل مادر دوره کودکی، بیماری بود که مادر اجازه نمی‌داد این مسئله نیز مشکلی برای کار پدر ایجاد کند.

من در دو سفر همراه پدر بودم که در آن زمان حدود هفت هشت سال داشتم و سختی‌های این سفرها را مادر درک می‌کرد، چون در همه شهرها، اولویت با کار پدر بود که به سراغ کتاب‌ها برود، عکس بگیرد، نسخه‌ها را ببیند و مطالب مورد نیاز برای تحقیقاتش را پیگیری کند و بعد به کار ما رسیدگی می‌کرد. در این سفرها چون بسیار کوچک بودم، خاطره‌چندانی در ذهن ندارم، فقط بازیدهایمان را از مکان‌هایی مثل



حجت‌الاسلام والمسلمین نوراللهیان، آیت‌... عطاردی، دکتر مهدوی راد و حجت‌الاسلام و المسلمین معراجی

گفتاری از دکتر محمدعلی مهدوی راد درباره باریک بینی‌های علمی مرحوم عطاردی

قله همت و کوه استقامت



دکتر محمدعلی مهدوی راد
عضو هیئت علمی
دانشگاه تهران

در دوره طلبگی بنده در مشهد، عارف و عالمی جلیل القدر و بزرگ به نام آیت‌... حاج شیخ ذبیح‌... قوچانی مقیم بود که ایشان در سالروز مولد ائمه (ع) جشن مفصلی در منزلشان برپا می‌کرد و جشن عید غدیر را هم مفصل تر برگزار می‌کرد و علاقه‌مندان و دوستداران ایشان به دیدارش می‌رفتند.

روز عید غدیر ایشان به طالبی که به منزلشان می‌رفتند، هدیه می‌داد و از آنجایی که پسران ایشان در کار چاپ کتاب بودند، این هدیه کتاب بود. اولین سالی هم که من به دیدارشان رفتم، سه کتاب جیبی هدیه دادند که یکی از آن‌ها کتابی به نام «زمین و تربت حسینی» نوشته مرحوم آیت‌... حاج سید محمد حسین کاشف الغطاء بود که آقای عطاردی آن را ترجمه کرده بود.

این اولین باری بود که اسم ایشان را می‌دیدم و پس از خواندن این کتاب علاقه آغازین من به استاد رقم خورد. من عشق عجیبی نسبت به کتاب داشتم و این حس از سال دوم طلبگی هر روز در من تقویت شد.

روزی در ورودی مدرسه دودر که دو سکوی قرار داشت، دیدم آقای حاج شیخ نعمت‌... با مردی نشسته است و به گرمی بسیار با یکدیگر صحبت می‌کنند. وقتی که ایشان رفت، از حاج شیخ نعمت‌... پرسیدم حاج آقا، ایشان چه کسی بود؟ در پاسخ گفت که ایشان آقای حاج شیخ عزیزا... عطاردی است و مردی بسیار عالم و فاضل از اهل قوچان است و اگر شماروزی توانستید خدمت ایشان برسید، از ایشان استفاده کنید که این بار دوم آشنایی من با ایشان بود.

در دورانی که بنده مقیم مشهد بودم، اتفاقی نیفتاد که با ایشان بیشتر آشنا شوم، ولی آثار ایشان را در میان آثاری که چاپ می‌شد، می‌دیدم؛ مثل «مسند الامام الرضا علیه السلام» که در آن دوره به عنوان بخش اول کتاب «فرهنگ خراسان» چاپ شده بود تا انقلاب پیروز شد و آشنایی من بعد از انقلاب با آثار ایشان بیشتر شد و ایشان نیز که بنده را شناخت و متوجه شد که هم منطقه‌ای ایشان هستم، لطف بیشتری به من کرد.

اگر کسی تعبیر کند که آقای عطاردی قله همت و کوه استقامت است، مجامله نکرده است. جالب است که بدانید ایشان با یک اشاره حرکت کرده و کتابی مانند کتاب «تاریخ خراسان» را که در واقع دنیایی تألیف و تحقیق است، آفریده است. من در جایی ندیدم این خاطر را مکتوب گفته باشد، ولی به من گفته است که یک روز من به خانه مرحوم جلال الدین همایی که از عجب‌های تاریخ است، رفتم. این بزرگوار هم کتابی به نام «تاریخ اصفهان» دارد. مرحوم همایی در زیرزمین خانه نشسته بود، در حالی که کلاهی بر سر داشته و پیراهنی با آستین‌های گشاد که قدری آن‌ها را بالا زده و مشغول نوشتن بود و بعد از اینکه مدتی با من حرف زد و فهمید که من هم اهل تحقیق هستم، اشاره کرد و گفت آقای عطاردی این کارتن‌ها را ببین، این‌ها همه فیش‌هایی است که من برای نوشتن «تاریخ اصفهان» جمع کرده‌ام. شما هم یک تاریخ خراسان بنویس، شما هنوز جوان هستید و می‌توانید کارهای بزرگی کنید.

این اشاره‌ای از جانب آقای همایی بود که حدود پنجاه سال ایشان را در جهت تحقیقات هدایت کرد. آقای عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان بزرگ، و جب به و جب سفر

کرده است. به عنوان مثال ایشان سه مرتبه به روستای ما آمده است. دره‌ها، کوه‌ها، امامزاده‌ها و فرهنگ‌ها را دیده است و با هر وسیله نقلیه‌ای از جمله ماشین و اسب و قاطر و حتی با پای پیاده سفر کرده و تاریخ خراسان را ضبط کرده است. اگر تاریخ خراسان ایشان به طور کامل چاپ شود، بیش از ۵۰ درصد اطلاعات را مستقیم دیده و کپی برداری از کتاب‌ها نبوده است.

مرحوم عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان سبک عجیبی را به کار گرفت. او در کتابخانه‌ها ننشست که بر اساس منابع مکتوب تاریخی، تاریخ خراسان را بنویسد که البته آن‌ها را مدنظر داشت، اما او در این چهل پنجاه سال به همه خراسان بزرگ چه آن قسمتی که الان در افغانستان است و چه آن قسمتی که در کشورهای تازه استقلال یافته و چه آن قسمتی که الان در ایران است، سفر کرد. هر جا ممکن بود، با ماشین و هر جا ممکن نبود، با مرکب‌هایی مانند اسب و شتر و حتی پیاده می‌رفت و با چشم این مناطق را یکی بعد از دیگری بررسی می‌کرد. آنچه در متون مکتوب تاریخی بوده، این‌ها را مستقیم سنجیده و مواد تاریخ خراسان را شکل داده است. او برای تدوین تاریخ خراسان سفرهای عجیبی را انجام داد و حتی سال‌ها در راه ماند. این مرد اعجوبه‌ای بود که در کنار این کار استرگ «تاریخ خراسان» ده‌ها کار حاشیه‌ای انجام داد. مثلاً در همان ایامی که در هندوستان بود، درباره برخی از شروح نهج البلاغه که به گونه‌ای نسخه خطی بود، تحقیق کرد و آن شرح‌های نهج البلاغه را چاپ کرد. درباره «تاج العروس» کار بزرگ زبیدی تلاش کرد و قواعد مهم آن را استخراج کرد.

با خرافات عوامانه در ستیز بود

از آن حق و چه بخشی خرافه است، ایشان مسائل را به جایگاه تاریخی و جغرافیایی محل آن رویداد برمی‌گرداند تا اصل و فرع را مشخص کند. وی از جغرافیای اماکن به دقت عکس و اسلاید تهیه می‌کرد. این شیوه مشاهده میدانی تحقیقی که مورد تأکید قرآن کریم نیز هست، باعث زدودن خرافات از دین می‌شد و انگیزه علامه عطاردی از این شیوه تاریخی همین هدف مهم بود. بیشترین خاطراتی که از ایشان به یاد دارم، حیرت و تعجب ما از پرکاری شبانه‌روزی این عالم جلیل القدر بود.

با وجود کسالت و بیماری که داشت، بعد از گذشت چند ماه می‌دیدیم کتاب‌هایی را تألیف یا اصلاح و آماده چاپ کرده است. ایشان برای اینکه به هدفش برسد، از تحمل هیچ‌گونه سختی روی گردان نبود؛ گویا ایشان در این زمین زندگی نمی‌کرد و امور مادی و سختی‌ها برای ایشان هیچ مشکل و مانعی ایجاد نمی‌کرد. این استقامت ایشان برای ما الگویی بود.

ارزش و اهمیت این مطالعه میدانی علامه عطاردی به این زودی‌ها شناخته نمی‌شود و روزی می‌رسد که سازمان‌های جهانی برای این عالم مراسم یادبود می‌گیرند و همه دنیا برای او ارزش زیادی قائل خواهند شد.

دقیق بررسی کرد. علامه عطاردی همه عمرش را بر این مسئله گذاشت تا در مسائل تاریخی، موقعیت جغرافیایی حوادث را ببیند. حتی وقتی ایشان از «شاهنامه» می‌گویند، از نزدیک به محل پیکار لشکرها رفته بود و بیان می‌کرد که من به یقین می‌دانم که وقتی فردوسی این صحنه جنگ را توصیف می‌کند، قطعاً باید بالای فلان کوه مستقر می‌بوده است. اینکه جغرافیای حوادث را ببینیم و درک کنیم، چیزی بود که ایشان برای آن سفرهای فراوان رفته و رنج‌های بسیاری کشیده بود تا بتواند حوادث را در جایگاه خودش تجزیه و تحلیل کند. به نظر من اگر این روش علمی که با رنج به دست می‌آید و جایگاه جغرافیایی مسائل و حوادث اجتماعی فرهنگی و تاریخی را جلو چشم بیاوریم، به نکات جدیدی دست می‌یابیم.

این شیوه مسائل ابتکاری زیادی را به همراه دارد و سبب می‌شود که تجربه‌های پراکنده را سامان دهد و فرهنگ را غنی کند. مرحوم عطاردی بسیاری از موضوعات دینی را آمیخته با خرافات عوامانه می‌دید که در بستر زمان به آموزه‌های دینی نشسته است.

این مسائل خرافی و نادرست گاهی به جای مسائل اصلی مانده است و برای مشخص کردن اینکه چه بخشی

آغاز شناخت من از آیت‌... عطاردی به سال‌های اول انقلاب برمی‌گردد. به خاطر شهرت ایشان در قم و مشهد در آن زمان دورا دور از این بزرگوار شناخت حاصل کرده بودم و بعد از سال ۱۳۷۰ خورشیدی ارتباط من با ایشان بیشتر شد و از آنجا به دلیل اینکه به قم رفت و آمد داشت و برای مرکز فرهنگی خراسان که من جزو هیئت امنای آنجا بودم، انیس بیشتری ایجاد شد.



حجت‌الاسلام و المسلمین محمد عبداللهیان
مدیر مؤسسه معارف
اسلامی امام رضا (ع)

علامه عطاردی ضمن اینکه همه ویژگی‌های یک عالم برجسته شیعه را مانند درک استادان تراز اول حوزه علمیه دارا بود، یک ویژگی برجسته داشت که سبب تمایز ایشان می‌شد؛ آیت‌... عطاردی شیوه تحقیقی خاصی داشت که کمتر کسی از آن بهره‌مند است و آن را در تحقیقات خود به کار می‌برد.

مشاهده علمی و حرکت در میدان مسائل تاریخی بارزترین جنبه تحقیقاتی این استاد بود. معمولاً در مسائل تاریخی به منابع و کتاب‌ها و تحلیل نوشته‌های آن استناد می‌شود. مثلاً وقتی در تاریخ اسلام جنگ احد را بررسی می‌کنیم، باید جغرافیای وقوع آن حوادث را نیز به طور



پایه گذار مسند نویسی در حدیث شیعه



آیت‌ا... عطاردی در کنار دکتر مهدی محقق

آن‌ها سخن گفته، دیده است و می‌داند اشعار را به چه علتی سروده است. وی انسان قانعی بود و به همین دلیل مستقل هم بود و به شخص و نهاد و جریان و وابستگی نداشت. برخی افراد برای ایجاد یک مرکز و اداره... مجبورند پیش این و آن سر خم کنند، اما وی به علت مستقل بودن کارهای بزرگ علمی را بدون اینکه بخواهد مرتکب چنین کارهایی شود، به سرانجام رساند. پشتکار و استفاده از وقت، دیگر ویژگی ایشان بود. وی ده‌ها اثر علمی را منتشر کرده و به همین مقدار نیز فیش تهیه کرده است که محققان زیادی باید سال‌ها بنشینند این فیش‌ها را تنظیم و در قالب کتب منتشر کنند. او اهل ابتکار بود و از انجام کارهای موازی پرهیز داشت، به همین دلیل سراغ مسند نویسی برای اهل بیت^(ع) رفت. چنین افرادی را باید معرفی کنیم؛ فردی که خدمت وحش و دفتر دستکی نداشت، ولی به اندازه یک گروه و مرکز کار کرده است، بدون اینکه امکاناتی در اختیار داشته باشد. باید چنین الگوهایی به طلاب معرفی شوند و تأکید کنیم که اراده انسان‌ها و انگیزه آنان است که کار می‌کند و تبیین کنیم که با کمترین امکانات می‌توان بزرگ‌ترین کارها را انجام داد.

ایشان کاری انجام داده بودند، به یاد داشت. سنت «مسند نویسی» در میان اهل سنت وجود داشته است، اما در میان شیعیان می‌توان آیت‌ا... عطاردی را پایه گذار این کار دانست. این اقدام یا کارهای دیگر ایشان در جهت پر کردن خلأهای علمی از جمله شناسایی نسخه‌ها و شرح‌هایی بر «نهج البلاغه» یا ترجمه کتاب‌های مناسب برای عموم مردم بود. آیت‌ا... عطاردی انسانی «متبع» بود و برای انجام تحقیقات خود منابع مختلفی را جست‌وجو می‌کرد. مثلاً برای تدوین «مسند عبد العظیم^(ع)» در پنجاه سال قبل که کامپیوتر و آثاری چون «الکاشف» و «معجم» نبود، آن قدر تتبع کرده بود که آن کار را به شکل کامل به انجام برساند، به طوری که بعدها تحقیقات ایشان را با کامپیوتر و فهرست بررسی کردند و دریافتند شاید تنها چند روایت در این زمینه از چشمشان افتاده است. ویژگی دیگر روش علمی آیت‌ا... عطاردی این بود که در زمینه کارهای تاریخی که بخش عمده کار ایشان را تشکیل می‌داد، مطالعات میدانی داشت؛ به گونه‌ای که به اماکن مختلف می‌رفت و آن‌ها را از نزدیک می‌دید. در مواردی نیز کشف می‌کرد و سنگ‌نوشته‌های مربوط به آن‌ها را می‌خواند. مثلاً می‌فرمود مناطقی را که فردوسی در «شاهنامه» درباره

مرحوم عطاردی انسانی متواضع و فروتن بود و به تنهایی کارهایش را انجام می‌داد. مادر روایات دینی این نکته را داریم که هر کسی بار خودش را بردارد، متواضع است و آیت‌ا... عطاردی شخصی بود که خودش با تلفن با دیگران تماس می‌گرفت و جواب تلفن می‌داد، بنابراین فروتنی و تواضع خصلت اول ایشان بود. خصلت دوم آیت‌ا... عطاردی «استقلال» در زندگی و «قناعت» به عنوان لازمه وابسته نبودن بود. ایشان در زندگی قانع بود، به همین دلیل به هیچ جایی مرتبط نشد. با وجود اینکه در کارهای علمی بسیار نیازمند بود، رعایت قناعت به ایشان این اجازه را نداد که برابر هیچ شخص و سازمانی سر فرود آورده و رفتاری غیر اخلاقی داشته باشد. نکته سوم اینکه ایشان انسانی بسیار مؤدب بود، به نحوی که اگر کسی کاری برای ایشان انجام داده بود، آن مرحوم به وی زنگ می‌زد و تشکر می‌کرد و نیز احوال افراد را می‌پرسید. این در حالی است که فاصله سنی آن مرحوم با برخی افراد بسیار بود، اما در عین حال آیت‌ا... عطاردی دوستانی را که برای



دکتر مهدی مهریزی
عضو هیئت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و
تحقیقات تهران

«میدانی او مرتبط با دانای توست بود و در کتاب فرهنگ خراسان» بیش از صد صفحه بدان اختصاص یافته است. درباره مدیریت زمان در منش علمی او اشاره شد. دوست دارم این قسمت را بیشتر توضیح دهم. در کارنامه ایشان تعداد چشمگیری ترجمه متون تاریخی و پژوهشی در باب تاریخ اسلام از عربی به فارسی دیده می‌شود. از ایشان درباره این ترجمه‌ها و انگیزه آن‌ها پرسیدم. پاسخ داد که بعضی به سفارش و توصیه استادان او بوده‌اند و برخی به تشخیص خودش، اما بیشتر آن‌ها را در سفرهای خارجی مانند سفر هند انجام می‌داد. به این شکل که در این سفرها، ساعات کار کتابخانه‌ها محدود بود. بدین روی، استاد عطاردی روزها را به بهره‌گیری از کتابخانه‌ها به ویژه منابع خطی آن‌ها می‌گذراند و از فرصت شب‌ها برای ترجمه متون بهره می‌گرفت. در این مطلب چند نکته هست؛ یکی استفاده بهینه از وقت و هدر ندادن آن، حتی در سفرهای دشواری مثل سفر هند با آب و هوای ویژه و دشوار آن. دوم اینکه مرحوم عطاردی در همان زمان که به عنوان پژوهشگر نوآور در تاریخ، حدیث، کتاب‌شناسی و تحقیق متون مطرح است، ترجمه کتاب را در شأن خودش نمی‌داند و به فایده‌گاری می‌اندیشد. نه شکل و ساختار آن. سوم اینکه جایگاه نویسندگان بعضی از آن کتاب‌ها چندان بالاتر از خود عطاردی نبود، ولی استاد حاضر می‌شد که نام خودش را به عنوان مترجم پس از نام آن‌ها بیاورد، چون به راستی از آن نام گذشته بود.

زمان را هدر نهدی داد



نویسنده آن همه مطالب را در کتابش ثبت نمی‌کرد. امروز به آن‌ها دسترسی نداشتیم و از میان رفته بودند. راضی نیستم آنچه را از من شنیده‌اید، نقل کنید. زمانی مباحث خود را ادامه داد که از حاضران بر این مطلب قول گرفت و مطمئن شد. این برخورد، از جانب دانشوری است که خودش در رتبه‌ای هم‌ردیف آن شخصیت علمی قرار دارد. نه اینکه دون‌مایگی او را به تواضع علمی وادارد. همین جا اشاره کنم به علاقه بسیار زیاد استاد به حکیم ابوالقاسم فردوسی و تسلط او بر «شاهنامه» که بخشی از این پژوهش‌های

روزی همراه با چند تن از اهل قلم در خدمت استاد بودیم که ضمن گفت‌وگوهای مختلف سخن از یک کتاب مرجع رفت و استاد اشاره کرد که این کتاب در عین فواید بسیار، نظم منطقی در بیان مطالب ندارد. این بحث گذشت و به شیوه این‌گونه نشست‌ها، مباحث مختلف پیش آمد. ناگهان وسط مباحث دیگر، استاد به گوشه‌ای نگر بست. نمی‌دانم چه چیزی به یاد آورد که از حاضران پرسید: من درباره فلان کتاب گفتم که نظم منطقی ندارد؟ پاسخ مثبت دادیم. گفت: خواهش می‌کنم این مطالب را از من ناشنیده بگیرید. اگر آن

هدف از این قلم انداز، عرض ادبی است و بس. آنچه می‌نویسم، نه جامع است و نه مانع، نه در شأن استاد است و نه حتی در حد بهره‌اندک نگارنده از آن بزرگ. چند نکته را بدون آداب و ترتیب می‌نویسم، به امید اینکه دیگر شاگردان



دکتر عبدالحسین طالعی
عضو هیئت علمی
دانشگاه قم

استاد درباره او بنویسند و این قلم را بار دیگر فرصت تجدید پیمانی با آن بزرگ دست دهد. از نام و نان گذشته بود. به شیوه گذشته‌نگر کم توقع و پیرکار بود. به شیوه آنان جامع‌نگر بود و در چند موضوع نزدیک به هم کار می‌کرد و قلم می‌زد. در عین حال، حوصله را اصل اساسی کار خود می‌دانست و به درازمدت می‌اندیشید. فقط به مسئولیت و نیاز می‌اندیشید نه تشویق و تقدیر مراکز و مسئولان. در تمام عمرش به هیچ سیستم دولتی یا حوزوی یا مرکز خاصی وابسته نشد. نسبت خویشاوندی اش با شهید رجایی را هرگز به رخ کسی نکشید و از آن امتیازی نخواست و نگرفت؛ نه در زمان نخست‌وزیری آن شهید و نه پس از شهادت او. همسر وفادار او که دستیار او در کارهای علمی اش بوده، برادرزاده شهید رجایی است. روزی بر سر فردی فریاد می‌زد: «من محقق تاریخ هستم، نه محرف تاریخ». نمی‌دانم خواسته آن شخص چه بود، ولی جواب استاد همین بود. به دلیل همین گونه برخوردها، مال و منالی نیندوخت و تهی دست از دنیا رفت.